

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: طاهره شمس

۰۴ سپتمبر ۲۰۲۴

حقیقت روایت تلخ و درد آور خود کشی طاهره



طاهره متولد قلعه « کته » ای تگاب برگ، دکان خیاطی در بازار ولسوالی پنجاب داشت. به تاریخ ۲۰ سرطان در مسیر رفتن به سمت خانه « رنجری » در مسیر « قلعه نو » در راه او ایستاده می شود و بالای طاهره صدا می زند که بیا در رنجر بالا شو! اما طاهره ناشنیده می گیرد و به راه خود ادامه می دهد.

در مسیر قلعه نو راه دوسرکه می شود. یک سرک به طرف « پشته غرغری » می رود و سرک دیگر به طرف «تگاب برگ» ، طاهره به سمت جنگل در مسیر « کوته لالی » راهش را کج می کند. اماراه رفتن به سمت خانه اش، تنها از مسیر قلعه نو ممکن بود ، او دوباره برمی گردد، باز همان رنجرکنک ولسوالی در راهش ایستاده بود ، این بارسر نشینان رنجر با صدای بسیار بلند نهیب می زنند که : « بیا بالا شو ! » طاهره باز هم صدا را نادیده می گیرد، اما طالبان رنجر نشین با بلند ترین آواز او را تهدید به مرگ می کند و او را به زور در رنجر بالا می کند. طاهره طوری که در اظهارات خود در بامیان گفته است که « مرا مجبور کردند که به رنجر بالا شوم » رنجر وقتی به «

قلعه صمد» تگاب برگ می رسد، در آنجا به دلیل خرابی سرک توقف می کند، در همین وقت طاهره خود را از رنجر به بیرون پرتاب می کند؛ و به سمت زادگاه خود قلعه کته فرار می کند.

در این وقت رنجر دومی که مربوط قومندانی امنیه ولسوالی بود، وقتی داستان را می داند، عاجل دست به کار می شود طاهره و سرنشینان رنجرکنک را به با میان منتقل می سازد. تجاوز بر طاهره ۱۹ ساله در همین رنجر اولی صورت می گیرد. و این کندک اردو، عمدتاً متشکل از غنذکی های تاجیک تبار در ولسوالی پنجاب است.

در بامیان پدر طاهره نیز حاضر می شود، طاهره در محضر خود می گوید که: مرا به زور به رنجر بالا کردند. بعدقاضی برایش می گوید که: «خوب حالا آزاد استی، برو خانه ات» و قطعاً معلوم نیست که تجاوزگران بر طاهره چه شدند؟ مورد بازخواست قرار گرفتند و یا خیر؟ هیچکسی نمی داند. پدر طاهره از ننگ زمانه و یا از ترس رژیم فرعونى امارت، بدون کدام دادخواست و عریضه دختر خود را برمی دارد و به خانه برمی گردد.

بعد از آن حادثه ننگین تجاوز، طوفان بزرگی در روح طاهره برپا می شود، او نمی تواند که این حادثه را فراموش کند و با آن کنار بیاید، در طویله خانه اش خود را حلق آویز می کند.

وقتی خواهرش طرف چاشت روز ۶ اسد گوسفندان و بره ها را به طویله رهنمائی می کند، اما گوسفندان داخل طویله نمی شوند، خواهر طاهره داخل طویله می شود؛ می بیند که خواهرش طاهره خود را از سقف طویله آویزان کرده و جان داده است.

تجاوز بر طاهره و سرانجام خودکشی او، یکی از هزاران دوسیه جنایت طالبان است که در این سه سال در سرتاسر افغانستان؛ فاجعه بار ترین شرایط را بر مردم افغانستان تحمیل کرده است. اردو و پولیس به جای این که حافظ جان، مال و ناموس مردم باشند، خود به عزت و شرافت مردم دست درازی می کنند و با بیشر می تمام شعار امنیت و مصونیت را سر می دهند، اما در عمل هزاران جنایت را بر جامعه تحمیل کرده و می کنند.

درود بر روح طاهره دختر بی پناه هزاره که کسی به دادخواهی او بر نخاست، در عنفوان جوانی از شرم زمانه خود را حلق آویز کرد! علی تقوائی